

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

نقد و تحلیل محتوایی دیوان فخرالدین عراقی

استاد راهنما :

دکتر سید مهدی رحیمی

استاد مشاور :

دکتر محمد بهنام فر

نگارش :

سیده سمیه موسوی فرد

تابستان ۱۳۹۲

“کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و ... این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.”

تقدیم به

پدر و مادر صبور و دلسوزم

و

خواهر و برادران مهربانم

و

تمام کسانی که همواره همراه و یاور من بوده‌اند

چکیده

در ادبیات، محتوای شعر که همان اندیشه‌های شکل‌گرفته‌ی درون است، بازتاب عواطف و احساسات شاعر در مقابل عوامل گوناگون از جمله سنت‌ها، اخلاق، محیط زندگی و غیره است. درواقع مقصود از محتوا، موضوعات شعری و نوع افکار و عواطف و حالات شاعران و مقاصدی است که در کلام بیان می‌کنند. تحلیل محتوای اشعار شاعران و آشنایی با مبانی فکری و اندیشه‌های آنها از مباحث مهم در پژوهش‌های ادبی است. در این میان تحلیل محتوای دیوان فخرالدین عراقی، شاعر عارف قرن هفتم هجری قمری نیز باید مورد توجه قرار گیرد. رساله‌ی حاضر به این مهم می‌پردازد و دارای دو فصل است: فصل اول به کلیات اختصاص دارد که شامل درآمدی بر شرح احوال و آثار عراقی و چستی محتوا و نقد به خصوص نقد محتوایی است. در فصل دوم نیز به نقد و تحلیل محتوای دیوان عراقی با توجه به میزان کاربرد آنها پرداخته می‌شود. مضامین دیوان عراقی با توجه به بسامد شامل پنج محور اصلی عرفان و اخلاق، درخواست، آرزو و حسرت‌ها، مدح و منقب، گله و انتقاد و خمریات و قلندریات است و هرکدام شامل موضوعات فرعی هستند. خمیرمایه‌ی اصلی دیوان عراقی را عرفان و ذیل آن عشق به خصوص عشق حقیقی یا عرفانی تشکیل می‌دهد که در غزلیات او نمود بیشتری یافته است. عراقی تمایل زیادی در به کارگرفتن آرایه‌های سخن ندارد و اغلب برای بیان این اندیشه‌ها از عناصر عاطفی و معنایی خاص بهره می‌برد ولی در برخی موارد و به مقتضای حال، ابزارهای بلاغی (بدیع، بیان و معانی) را نیز به کار می‌گیرد. به نظر می‌رسد بیشتر مضامین شعری عراقی، به خصوص مضامین عرفانی او، برگرفته از آیات و احادیث و یا کتاب‌های عرفانی قبل از او است و برخی دیگر نیز حاصل استنباط‌های شخصی او است. بهره‌گیری عراقی از آیات و احادیث بیشتر در بیان مباحث دینی به خصوص مدح پیامبر (ص) است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، عشق، غزل عرفانی، دیوان فخرالدین عراقی.

فهرست اجمالی مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: کلیات	۱۴
بخش اول: درآمدی بر شرح احوال و آثار عراقی	۱۴
۱- زندگی نامه	۱۴
۲- مشرب عرفانی	۲۰
۳- عقاید و افکار	۲۰
۴- ارتباط با معاصران	۲۱
۵- آثار	۲۲
۶- تأثیر و تأثر	۲۴
۷- سبک و مختصات شعری	۲۸
بخش دوم: تحلیل محتوا، نقد و انواع آن	۳۴
۱- تحلیل محتوا	۳۴
۲- نقد ادبی	۳۶
پی‌نوشت فصل اول	۴۰
فصل دوم: نقد و تحلیل محتوای دیوان فخرالدین عراقی	۴۳
وضعیت کلی شعر و مضامین شعری در قرن هفتم هجری قمری	۴۳
نقد و تحلیل محتوای دیوان عراقی	۴۴
۱- عرفان و اخلاق	۴۴
۱-۱- عرفان	۴۷
۱-۱-۱- عشق	۴۷
۲-۱- وحدت وجود	۷۴
۳-۱- تجلی	۷۶
۴-۱- بازگشت به اصل	۷۶

- ۷۷.....۱-۱-۵- فنا و بقا.....
- ۷۸.....۱-۱-۶- شریعت ، طریقت و حقیقت.....
- ۷۸.....۱-۱-۷- ذکر حق
- ۷۹.....۱-۱-۸- مراحل سلوک.....
- ۸۰.....۱-۱-۹- اوصاف عارفان.....
- ۸۰.....۱-۱-۱۰- اعتقاد به سرنوشت محتوم.....
- ۸۱.....۱-۱-۱۱- مرگ.....
- ۸۲.....۱-۱-۱۲- آفرینش.....
- ۸۲.....۱-۱-۱۳- رازپوشی عارفانه.....
- ۸۳.....۱-۱-۱۴- کشش و جذبہ.....
- ۸۳.....۱-۲- اخلاق و پند و اندرز
- ۸۳.....۱-۲-۱- بی ارزشی جهان
- ۸۴.....۱-۲-۲- ترک ریا.....
- ۸۴.....۱-۲-۳- فروتنی و تواضع
- ۸۵.....۱-۲-۴- نصیحت ملوک.....
- ۸۵.....۱-۲-۵- بصیرت.....
- ۸۶.....۱-۲-۶- نکونامی و عمر جاوید.....
- ۸۶.....۱-۲-۷- عقل و دانش.....
- ۸۷.....۱-۲-۸- ترک هواهای نفسانی.....
- ۸۷.....۲- درخواست آرزو و حسرت‌ها.....
- ۸۷.....۲-۱- درخواست و آرزو
- ۸۷.....۲-۱-۱- درخواست از یار
- ۹۱.....۲-۱-۲- درخواست از ساقی
- ۹۲.....۲-۱-۳- درخواست از صبا و نسیم.....

۹۲.....	۲-۱-۴- درخواست از خدا و رسول اکرم(ص)
۹۵.....	۲-۲- حسرت‌ها
۹۸.....	۳- مدح و منقبت
۹۸.....	۳-۱- مدایح دینی
۱۰۲.....	۳-۲- مدح ممدوحان
۱۰۶.....	۳-۳- مدح خود
۱۰۷.....	۴- گلایه و انتقاد
۱۰۸.....	۴-۱- گلایه‌ی شخصی
۱۱۴.....	۴-۲- گلایه‌ی اجتماعی
۱۱۴.....	۴-۳- گلایه‌ی فلسفی
۱۱۶.....	۵- خمریات و قلندریات
۱۱۶.....	۵-۱- خمریات
۱۲۰.....	۵-۲- قلندریات
۱۲۳.....	تحلیل محتوای اشعار لمعات عراقی
۱۲۵.....	نتیجه‌گیری
۱۲۷.....	نمودار ۱. نمودار میله‌ای بررسی آماری تحلیل محتوای دیوان عراقی
۱۲۸.....	منابع

مقدمه

فخرالدین عراقی شاعر قرن هفتم (ه. ق.) دیوانی در قالب‌های غزل، قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعه و رباعی دارد. از دیگر آثار او نیز می‌توان به منظومه‌ی عشاق‌نامه یا ده‌نامه و لمعات اشاره کرد. وی از شاعران متقدم در غزل، به خصوص غزل عرفانی است. شعر فخرالدین عراقی، در کنار شعر شاعران هم‌عصر او مثل عطار و مولوی، نماینده‌ی تام و تمام اندیشه‌ی اندیشمندان قرن هفتم (ه. ق.) است و از این جهت بررسی محتوایی آثار این اندیشمندان اهمیت فراوانی دارد. نقد و بررسی آثار دیگر شاعران از جنبه‌های مختلف مورد توجه محققان بوده است. در این میان تحلیل محتوایی دیوان فخرالدین عراقی دیده نمی‌شود و تنها در مورد شرح احوال و برخی از جنبه‌های دیوان یا آثار او از جمله صورخیال، موسیقی شعر، تأثیر قرآن و حدیث و مسائل عرفانی کتاب‌ها، مقاله‌ها و در برخی موارد پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است. از جمله این موارد می‌توان به کتاب **مقام شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی در تصوف اسلامی** از محمد اخترچیمه و **نگرشی بر آثار عراقی** از سیدکمال حاج سیدجوادی و دیگران و برخی کتاب‌های تاریخ ادبیات در شرح احوال این شاعر، که در منابع تحقیق ذکر شده‌اند، اشاره کرد. نگارنده در این تحقیق می‌کوشد تا مضامین موجود در دیوان فخرالدین عراقی را گردآوری و طبقه‌بندی و در نهایت نقد نماید. مهم‌ترین سؤال‌های تحقیق عبارتند از: ۱- جایگاه و اهمیت فخرالدین عراقی در شعر و ادب فارسی چیست؟ ۲- مضامین دیوان فخرالدین عراقی چیست؟ ۳- ابزار بیان مضامین و محتوای اشعار فخرالدین عراقی چیست؟ ۴- منشأ و مأخذ مضامین شعری فخرالدین عراقی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق چنین است: ۱- فخرالدین عراقی شاعر قرن هفتم از شاعران متقدم در غزل ، به خصوص غزل عرفانی است. ۲- مضامین عرفانی پرکاربردترین مضامین در دیوان عراقی است. مضامین عاشقانه ، مرثیه ، حکمت ، دین ، مدح نیز در دیوان او جایگاه قابل توجهی دارند. ۳- فخرالدین عراقی در بیان اندیشه‌های خود از ابزارهای بلاغی (بدیع ، معانی و بیان) بهره برده است. ۴- به نظر می‌رسد بیشتر مضامین شعری فخرالدین ، به خصوص مضامین عرفانی او ، برگرفته از آیات و احادیث و یا کتاب‌های عرفانی قبل از او است و برخی دیگر نیز حاصل استنباط‌های شخصی او است .

نتایج تحقیق نیز مطابق فرضیه‌ها است و حاکی از آن است که مضامین عارفانه و در میان آن ، عشق حقیقی پرکاربردترین مضامین در دیوان عراقی هستند. مضامین اخلاق ، درخواست ، آرزو و حسرت‌ها ، مدح و منقبت ، انتقاد و خمربیات و قلندریات نیز در دیوان او جایگاه قابل توجهی دارند. همچنین نتایج به دست آمده از تحقیق با فرضیه‌های ۳ و ۴ مطابقت دارند و در متن رساله به آنها پرداخته می‌شود .

روش کار در این رساله به این صورت بوده است که پس از انتخاب موضوع و تصویب آن ، فهرستی از منابع متناسب با موضوع شناسایی و تهیه شد و کار فیش‌برداری از آنها آغاز گردید . سپس تحلیل محتوای ابیات دیوان عراقی و دسته بندی آنها انجام شد. در مرحله‌ی بعد باتوجه به فصل‌بندی‌هایی که صورت گرفت رساله‌ی حاضر تهیه و تنظیم شد. این رساله دارای دو فصل است که هر فصل به بخش‌هایی تقسیم شده است. فصل اول شامل دو بخش است که درباره‌ی شرح احوال و آثار عراقی و همچنین چستی نقد و تحلیل محتوا است. فصل دوم نیز به نقد و تحلیل محتوایی دیوان عراقی باتوجه به بسامد موضوعات اختصاص دارد. در پایان رساله نتایج ، نمودار آماری و منابع تحقیق آورده شده‌اند .

اشعاری هم به طور پراکنده در کتاب لمعات عراقی وجود دارند و باوجود اینکه جزو ابیات دیوان او محسوب نمی‌شوند ولی با نظر استاد محترم راهنما ، تحلیل محتوای آنها نیز آورده شده است.

در شیوه‌ی نگارش از کتاب آیین نگارش مقاله‌ی علمی- پژوهشی محمود فتوحی بهره گرفته شده و شماره‌های داخل پرانتز بعد از ابیات بیانگر شماره‌ی صفحه و ابیات از کلیات عراقی به کوشش سعید نفیسی است که مشخصات کامل آن در فهرست منابع و مآخذ ذکر شده است .

در پایان از تمامی کسانی که مرا در نوشتن این رساله یاری نموده‌اند تشکر می‌نمایم .مراتب تقدیر و سپاس خود را به محضر استادان گرانمایه جناب آقای دکتر سید مهدی رحیمی و جناب آقای دکتر محمد بهنام‌فر استادان راهنما و مشاورم اعلام می‌دارم که همواره از راهنمایی‌های ارزشمند آن دو بزرگوار برخوردار بوده‌ام و از خداوند منان سلامت ، سعادت و سربلندی برای ایشان مسألت می‌نمایم .

همچنین از دیگر استادان گرامی گروه زبان و ادبیات فارسی و تمام دوستانی که در به ثمر رسیدن این تحقیق سعی داشته‌اند از جمله کتابخانه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند تشکر دارم .

فصل اول : کلیات

در بخش اول این فصل مختصری در شرح احوال و آثار عراقی و در بخش دوم آن نیز چستی تحلیل محتوا و نقد آورده می‌شود .

بخش اول : درآمدی بر شرح احوال و آثار عراقی

۱- زندگی نامه

از آنجایی که موضوع رساله‌ی حاضر " نقد و تحلیل محتوای دیوان فخرالدین عراقی " است ، نگارنده در ابتدا مختصری در شرح احوال و آثار وی می‌آورد چون شناخت گوینده‌ی کلام ما را در تحلیل محتوا ، درک و بیان اندیشه‌ها و افکار او ، که در فصل دوم به آن پرداخته می‌شود ، یاری می‌کند .

۱-۱- نام و نسب

در مورد نام و نسب عراقی میان تذکره‌نویسان اختلاف نظر است . «چنان می‌نماید که قدیم‌ترین زمینه برای احوال عراقی مقدمه‌ای باشد که بر دیوان اشعار وی نوشته شده است . نام نویسنده‌ی این مقدمه و زمان وی معلوم نیست و به نظر می‌رسد که در اواخر قرن هفتم (هـ. ق .) و اوایل قرن هشتم (هـ. ق.) نوشته شده باشد . دلیل قدیمی بودن این سند این است که بعدها کسانی چون جامی در نفحات‌الانس و خواندمیر در حبیب‌السیر برای نوشتن شرح حال عراقی از این نسخه بهره برده‌اند» (عراقی ، ۱۳۷۰ : ۳) . نویسنده‌ی مقدمه‌ی مذکور ، نام وی را « فخر الملة والدین ابراهیم بن بوزرجمهر مشهور به عراقی » نوشته است . (عراقی ، ۱۳۷۰ : ۴۷)

حمدالله مستوفی که تاریخ گزیده را در ۷۳۰ قمری نوشته و نزدیک‌ترین مورخ به زمان عراقی است؛ نام و نسب او را «فخرالدین ابراهیم بن بزرجمهر بن عبدالغفار جوالقی» ضبط نموده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۳۸) و در باقی مآخذ نام و نسبش به اختصار ذکر شده است.^۱

در اغلب تذکرها هم‌چون نفحات (جامی، ۱۳۸۶: ۵۹۹) و تذکره الشعرا (سمرقندی، ۱۳۳۸: ۱۶۱) اسم او ابراهیم آمده است و دیگران جز حمدالله مستوفی و رهی معیری اسم پدرش را شهریار گفته‌اند. صاحب تاریخ گزیده اسم پدرش را بوزرجمهر ثبت کرده است.^۲ نسبت خانوادگی عراقی، جوالقی است. (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۳۸)

۲-۱- محل و تاریخ ولادت

محل تولد عراقی را قریه‌ی «کُمجان» در همدان ذکر کرده‌اند.^۳ نام این روستا در اشعار عراقی هم آمده و آن را وطن خود معرفی کرده است:

هر غریبی که در جهان بینی
عاقبت بازیابد اوطان را

جز عراقی که نیست امیدش
تا ببیند وصال کمجان را (عراقی، ۱۳۷۰: ۶۷)

یاصبا بوی سرزلف نگاری آورد
یا خود این بوی زخاک خوش کمجان آید (عراقی، ۱۳۷۰: ۷۸)

نویسنده‌ی مقدمه‌ی دیوان نیز این مکان را مولد عراقی دانسته است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۴۸)

درباره‌ی تاریخ ولادت عراقی در هیچ یک از منابع متقدم اشاره‌ای نشده اما نویسنده‌ی مقدمه‌ی دیوان در پایان آن چنین آورده است: «گویند که چون فخرالدین به جوار رحمت حق پیوست، سن او به هفتادوهشت رسیده بود. وفات او در هشتم ذی‌القعدة سنه ثمان وثمانین و ستمائه بوده است» (عراقی، ۱۳۷۰: ۶۵). بنابراین می‌توان گفت که ولادت عراقی در سال ۶۱۰ هجری قمری اتفاق افتاده است.

همان‌گونه که درباره‌ی ولادت بزرگان روایت‌هایی شایع است، در مورد تولد عراقی نیز روایتی آمده که مطابق مقدمه‌ی دیوان، روایت چنین است که یک ماه قبل از تولد عراقی پدرش در عالم خواب چنین دید که امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) با جمعی از پیروانشان در باغی جمع بودند که شیخی پیش آمد و کودکی را جلوی حضرت بر زمین گذاشت. امیرالمؤمنین طفل را برداشت و او را خواند و کودک را به دستش داد و چنین فرمود: «بستان عراقی ما را و نیکو

محافظت نمای که جهانگیر خواهد بودن». بعد از اینکه فرزندش به دنیا آمد در نظر اول دریافت که همان طفلی است که امیرالمؤمنین در آن خواب به او داده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۴۸)

به نظر می‌رسد که مطابق این روایت فخرالدین را از همان نخست عراقی نامیده‌اند. البته علت دیگر آن را می‌توان محل تولد او «کُمجان» در همدان دانست که جزو ناحیه‌ی عراق عجم است.

۱-۳- تحصیل و تدریس

آنچه در منابع از جمله در مقدمه‌ی دیوان عراقی درباره‌ی تحصیل وی آمده چنین است که: در پنج سالگی عراقی را به مکتب فرستادند. در مدت نه ماه قرآن کریم را حفظ کرد^۴. گویند آیات الهی را با نوایی جانسوز و آوازی حزین می‌خواند، تاجایی که مردم همدان را شیفته‌ی صوت دلاویز خود ساخت. (عراقی، ۱۳۷۰: ۴۸)

همچنین درباره‌ی تحصیل و تدریس عراقی گفته شده است که چون به هفده سالگی رسید، جمله‌ی علوم از معقول و منقول را آموخته بود تا جایی که در مدرسه‌ی «شهرستان» همدان به تدریس این علوم مشغول گردید^۵.

۱-۴- ورود به تصوف

در کیفیت خروج عراقی از دنیای قال و ورودش به عالم حال در تمام مآخذ^۶ از جمله مقدمه‌ی دیوان او چنین آمده است:

در آن روزگار که عراقی در مدرسه‌ی همدان شاگردان را تعلیم می‌داد و سرگرم تدریس بود، جماعتی از قلندران غزل‌خوانان و سماع‌کنان به مدرسه وارد شدند و این غزل را خواندند:

ما رخت ز مسجد به خرابات کشیدیم خط بر ورق زهد و کرامات کشیدیم

مضمون غزل توجه عراقی را به خود جلب کرد، در میان قلندران پسری صاحب جمال دید، چنان شیفته‌ی او گشت و انقلاب و شوری در او پدید آمد که عمامه از سر برداشت و به دسته‌ی قلندران پیوست و این غزل را سرود:

چه خوش باشد که دلدارم تو باشی ندیم و مونس و یارم تو باشی (عراقی، ۱۳۷۰: ۲۸۲)

۱-۵- مسافرت ها

آغاز سفرهای عراقی اینگونه بود که پس از مدتی قلندران از همدان راه اصفهان را درپیش گرفتند. شوق دیدار دوباره در عراقی ایجاد شد، پس به دنبال آنها رفت، چون به ایشان رسید این غزل را سرود:

پسرا ره قلندر بزن ار حریف مایی که دراز و دور دیدم سر کوی پارسایی

(عراقی، ۱۳۷۰: مقدمه، ۵۰)

البته این بیت با اندکی تغییرات در دیوان عراقی ضبط شده است:

پسرا ره قلندر سزد ار به من نمایی که دراز و دور دیدم ره زهدوپارسایی (عراقی، ۱۳۷۰: ۲۹۵)

شیخ فخرالدین و قلندران، عراق عجم را زیر قدم گذاشتند و از ایران به هندوستان رفتند. چون به شهر مولتان رسیدند در خانقاه شیخ بهاءالدین زکریا مقیم شدند^۷ و شیخ با دیدن عراقی، به استعداد او پی برد و خواست که او پیشش بماند ولی عراقی که عاشق پسر بود، خود را برای زندگی خانقاهی آماده نمی‌دید پس همگی به دهلی و سومات رفتند. بعد از مدتی^۸ دوباره راه جهانگردی را در پیش گرفتند و گرفتار طوفانی سخت شدند. در این میان عراقی به همراه یک نفر دیگر از دسته‌ی قلندران جا ماندند، پس به دروازه‌ی «دلی» [=دهلی] رسیدند. چون از دوستان خبری نیافتند عراقی تصمیم گرفت به مولتان برگردد اما یار با او همراهی نکرد، پس یکدیگر را وداع گفتند و عراقی به مولتان روی نهاد. در آنجا شیخ بهاءالدین زکریا او را پذیرفت و فرمود:

«عراقی از ما گریختی؟» شیخ این بیت را گفت:

از تو نگریزد دل من یک زمان کالبد را کی بود از جان گریز

دایه‌ی لطف مرا در بر گرفت داد بیش از مادرم صدگونه شیر (عراقی، ۱۳۷۰: ۲۱۱)

پس سیرو سلوک را آغاز کرد. (عراقی، ۱۳۷۰: ۵۱)

در بعضی از روایات مربوط به عراقی و از آن جمله در تذکره‌الشعراى سمرقندی عراقی را مرید مستقیم شهاب‌الدین عمر سهروردی شمرده و گفته‌اند که نخست در خدمت او سرگرم سلوک بود. چون شهاب‌الدین او را نزد بهاءالدین زکریا مولتانی فرستاد و عراقی چهار سال در آن

دیار به سر برد ، سپس به فرمان بهاءالدین برای دیدار شهاب‌الدین سهروردی به عراق بازگشت در حالی که شیخ شهاب‌الدین قبل از رسیدن عراقی به بغداد درگذشته بود . (سمرقندی، ۱۳۳۸ : ۱۶۱)

«اما روایت سمرقندی را گفتار صاحب مقدمه‌ی دیوان بدین مضمون که عراقی در هفده سالگی هنگام تدریس تحت‌تأثیر قلندران و جمال قلندرپسری همراه ایشان تا مولتان رفته و مرید بهاء‌الدین زکریا شده است ، رد می‌کند» (اخترچیمه ، ۱۳۷۲ : ۳۸) .

زندگی آسوده‌ی عراقی تنها تا زمانی ادامه داشت که در پناه شیخ بهاء‌الدین زکریا بود ، چون پیر دار فانی را وداع گفت ، حسودان و بداندیشان به آزار وی پرداختند . پس با تعداد کمی از پیروان باوفا تصمیم گرفت که از مولتان خارج شود و به زیارت مکه و مدینه برود . عراقی از راه دریا به عمان رفت و مورد لطف و نواخت سلطان آنجا قرار گرفت^۹ .

بعد از مدتی که از رنج راه آسوده شدند و وقت زیارت فرا رسید از سلطان اجازه خواستند اما اثر رضایت ندیدند . پس پنهانی با همراهانش به راه افتادند و با قافله‌ی حجاز به زیارت خانه‌ی خدا شتافتند .^{۱۰} وی برخی از شعرهای خود را در وصف مدینه و مکه در آن حال و هوا سروده است .

چون زیارت به پایان رسید از راه دمشق به روم رفت و به شهر قونیه وارد شد . در این شهر به مجلس شیخ صدرالدین قونوی از پیروان محی‌الدین ابن‌عربی راه یافت . شیخ صدرالدین در آن روزگار فتوحات‌مکیه و فصوص‌الحکم ابن‌عربی را درس می‌داد . عراقی نیز در حلقه‌ی درس او شرکت کرد و تحت تأثیر همین مجالس و مواعظ کتاب «لمعات» را تألیف کرد^{۱۱} .

عراقی همچنین در روزگار اقامتش در قونیه در مجالس سماع مولانا جلال‌الدین رومی شرکت می‌کرد^{۱۲} . بنابر نقل افلاکی پس از مدتی مورد توجه مولانا قرار گرفت چنان که به اجازه‌ی او معین‌الدین پروانه ، برایش خانقاهی در توقات ساخت و عراقی شیخ آن خانقاه شد^{۱۳} . «وی در این خانقاه ماند تا وقتی که در سال ۶۷۵ قمری معین‌الدین پروانه به تهمت سستی در جنگ با لشکر شام [و اتهام کشتن تعدادی از مغولان] ، توسط اباقاخان مغول کشته شد و عراقی به مصر رفت» (اخترچیمه ، ۱۳۷۲ : ۴۶) ^{۱۴} .

وی همچنین در قونیه با شمس الدین ماردینی و شیخ سعید فرغانی معاصر و معاشر بوده است و همنشین بزرگانی چون شمس الدین صاحب دیوان جوینی گردید .

عراقی در مصر در خدمت ممالیک بحری مصر درآمد و مورد توجه سلطان مصر قرار گرفت و چندی مقام پیشوایی مشایخ مصر (شیخ الشیوخی) را بر عهده داشت تا اینکه از این مقام ظاهری کناره گرفت و از مصر به شام ، که آن هم در قلمرو ممالیک مصر بود ، رفت .عراقی هم در مصر و هم در شام همواره مورد اکرام بود .شش ماه بعد از این سفر کبیرالدین ، فرزند عراقی ، از مولتان به شام آمد و تا پایان عمر نزد پدر ماند .

۱-۶- خرقه پوشی و خلافت^{۱۵}

بهاءالدین برای تهذیب عراقی ، او را به خلوت و مراقبه نشانید .وی در مدت ده روز با هیچ کس سخن نگفت ، روز یازدهم در اثر غلبه‌ی وجدی این غزل را سرود :

نخستین باده کاندر جام کردند ز چشم مست ساقی وام کردند (عراقی ، ۱۳۷۰ : ۱۹۳)

«روش شیخ زکریا و شهابالدین سهروردی آن بوده است که مریدان جز تلاوت قرآن و ذکر در حال مراقبه انجام ندهند .مریدان که این اشعار را از عراقی شنیده بودند [نزد شیخ زکریا شتافتند و از او نزد استاد شکایت کردند] .پیر چون غزل را شنید و پایان آن که نهایت وجد را می‌رساند ، استماع کرد ، گفت که سنت سهروردی برای دیگران است نه برای عراقی .پس او را از خلوت بیرون آورد و خرقه بر تن او پوشانید»(فروزانفر ، ۱۳۸۳ : ۳۹۰) .عراقی با گرفتن خرقه از شیخ بهاءالدین زکریا مولتانی جزو مشایخ سلسله ی سهروردیه هند درآمد .در همان مجلس بهاءالدین ، دختر خود را به نکاح عراقی درآورد .عراقی از دختر مولانا پسری یافت که او را کبیرالدین نام نهادند^{۱۶} .

«به روایت مقدمه ی دیوان ، وی مدت بیست و پنج سال در خدمت بهاءالدین زکریا به سر برد و چون بهاءالدین را وقت در رسید شیخ فخرالدین را خواند و حل و عقد به او سپرد ،او را خلیفه‌ی خود ساخت و بعد از آن به جوار رحمت حق پیوست»(عراقی ، ۱۳۷۰ : ۵۲) .

۱-۷- وفات و مدفن

تاریخ وفات عراقی را حمدالله مستوفی (مستوفی، ۱۳۳۹: ۱۳۸) و فصیح خوافی (فصیحی، ۱۳۸۶: ۸۴۵) آورده‌اند ولی در اغلب مآخذ سال ۶۸۸ نوشته‌اند^{۱۷}. در مقدمه‌ی دیوان نیز هشتم ذیقعده ۶۸۸ تصریح شده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۶۵)

وی در ۷۸ سالگی وفات یافت و در محل صالحیه در جوار مقبره‌ی ابوبکر محی‌الدین ابن عربی، ادیب و شاعر و صوفی بزرگ اندلسی به خاک سپرده شد^{۱۸}.

۲- مشرب عرفانی

در واقع عقاید صوفیانه و افکار عارفانه‌ی عراقی آمیخته‌ای از چند مشرب عرفانی است:

- ۱- از یک طرف که به دست شیخ بهاء‌الدین زکریا مولتانی خرقة پوشیده است، واسطه‌اش به شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌رسد.
- ۲- از طرف دیگر در اصول تصوف شاگرد صدرالدین قونوی بوده، رشته‌اش متعلق به محی‌الدین ابن عربی می‌شود.
- ۳- از جهت دیگر تحت تأثیر شیخ نجم‌الدین کبری است که در مثنوی عشاق نامه نیز حکایتی درباره‌ی او سروده است.
- ۴- از سویی در دوران اقامتش در قونیه با مولانا جلال‌الدین مولوی نیز ارتباط داشته است.

بنابراین «عقاید صوفیانه و افکار عراقی از همه جهت مخلوط می‌شود ولی بنابر قول اغلب استادان در افکار عرفانی عراقی، نگاه عراقی به محی‌الدین ابن عربی نزدیک‌تر است» (اخترچیمه، ۱۳۷۲: ۱۱۹).

۳- عقاید و افکار

در این بخش تنها به مذهب عراقی اشاره می‌شود و دیگر عقاید و افکار وی که با بحث تحلیل محتوا ارتباط دارند در فصل دوم بیان می‌شوند.

اعتقادات دینی شیخ را هیچ یک از تذکره‌نویسان و دیگر نویسندگان ذکر نکرده‌اند. فقط مؤلف مقدمه‌ی دیوان درباره‌ی ولادت وی داستانی کوتاه نقل کرده که برکت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن واضح و آشکار است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۴۸)

۴- ارتباط با معاصران

شیخ در مسافرت‌هایی که به نقاط گوناگون داشته با افراد مختلفی ارتباط و همنشینی داشته است. اگر از استادان، مشایخ و بزرگانی که در شرح حال وی در بخش‌های گذشته گفته شد بگذریم، وی با بزرگان و مشایخ دیگری نیز در ارتباط بوده است. نگارنده با توجه به کلیات عراقی به ذکر آنها می‌پردازد و درباره‌ی ارتباط عراقی با آنها از کتب تواریخ و سیر اطلاعی دیده نشده است.

شیخ نجم‌الدین کبری: (۵۴۰هـ.ق.) عارف قرن ششم و اوایل قرن هفتم (هـ.ق.)، مؤسس سلسله‌ی کبرویه است. عراقی در مثنوی عشاق نامه‌ی خود به وی ارادت ورزیده و داستانی در شأنش سروده است به طوری که بین هردو درباره‌ی عشق مناسبتی دیده می‌شود. (عراقی، ۱۳۷۰: ۳۵۸)

شیخ مجدالدین بغدادی: متولد ۵۵۶ و مرید شیخ نجم‌الدین کبری است. درباره‌ی مناسبات او با عراقی فقط حکایتی در عشاق نامه دیده شده که عشق نجم‌الدین کبری و مجدالدین بغدادی را بیان می‌کند (عراقی، ۱۳۷۰: ۳۵۸).

شیخ صدرالدین عارف: فرزند شیخ بهاء‌الدین زکریا است. عراقی به علت ارادت به وی قصیده‌ای در مدحش سروده است و در آن به ستایش او می‌پردازد. (عراقی، ۱۳۷۰: ۷۲)

شیخ عمادالدین: وی همزمان با زمان عراقی در مولتان زندگی می‌کرده و از نزدیکان و اصحاب خاص شیخ بهاء‌الدین زکریا بوده است. عراقی به خاطر ارادتی که به او داشته، در مدحش قطعه‌ای سروده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۳۱)

شیخ حمیدالدین احمد واعظ: عراقی در مدح وی دو قصیده سروده و همچنین در آنها درد مهجوری و فراق از او را بیان نموده است. از این قصاید فهمیده می‌شود که مدتی این دو با هم در مولتان همنشین بوده‌اند و چون او از مولتان بیرون رفته، عراقی در غیبت او دل‌تنگ شده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۹۶/۶۶)

گذشته از عرفا و مشایخی که نام برده شد، از مطالعه‌ی دیوان عراقی برمی‌آید که وی همچنین با «شیخ عزیز الدین محمدالحاجی» ارتباطی داشته و در مدح او قصیده‌ای سروده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۶۹-۷۰)

همچنین به روایت مقدمه‌ی دیوان عراقی، در اواخر روزگار سکونت وی در روم با مولانا امین الدین الحاجی نیز ارتباط برقرار کرده است. (عراقی، ۱۳۷۰: ۵۹)

۵- آثار عراقی

از عراقی آثاری به نظم و نثر باقی مانده است.

۵-۱- آثار منظوم

۵-۱-۱- دیوان اشعار: شامل غزلیات، قصاید، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات، مقطعات و یک مسمط مثلث است و حدود ۵۰۰۰ بیت دارد. طبقه‌بندی زیر براساس کلیات عراقی به تصحیح سعید نفیسی است:

قصاید: حدود ۲۶ قصیده (۷۶۳ بیت) که در مدح عارفان و بزرگان، ستایش خدا، نعت پیامبر و در مضامین عشق و عرفان و غیره سروده شده است.

مقطعات: حدود ۸ قطعه که (۴۳ بیت) هستند.

مثلث: در وصف قلندر درویش سروده شده و دارای (۷ ثلث) است.

ترکیبات: ۳ ترکیب بند (۱۸۲ بیت) که در مضامین عشق و عرفان بیان شده و همچنین ترکیب‌بندی در مرثیه بهاء‌الدین زکریا مولتانی و پریشان حالی خود سروده است.

ترجیعات: ۴ ترجیع بند (۴۰۱ بیت) که در آنها بیشتر از مباحث عرفانی به خصوص وحدت وجود سخن گفته است.

غزلیات: نیمی از دیوان او را غزلیات تشکیل می‌دهند که ۳۱۷ غزل و حدود ۳۰۷۱ بیت دارند و تمام مضامین ذکرشده در آنها موجود است ولی بیشترین مضمون را عشق به خصوص عشق حقیقی و عارفانه به خود اختصاص می‌دهد.

درحقیقت «غزل در قرن هفتم (ه. ق.)» به عنوان یکی از قالب‌های مهم شعر فارسی درآمد و برای بیان موضوعات متنوعی غیر از موضوع اصلی خود که عشق بود نیز به کار رفت و مضامینی چون عرفان، وعظ، مدح و مرثیه را نیز شاعران در این قالب شعری بیان کردند (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۱۵۰)

رباعیات: ۱۶۷ رباعی (۴۷۴ بیت) که آنها نیز در بیان مضامین عرفانی و عاشقانه سروده شده‌اند.